

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۳۰، پیاپی ۱۲۰، تابستان ۱۳۹۵

تبیین تاریخی رابطه سیاست، تجارت و زیارت در حجاز (قرن اول هجری قمری)

امین رضا توحیدی^۱
مصطفی پیرمردیان^۲
سید اصغر محمودآبادی^۳
اصغر منتظرالقائم^۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۳

تاریخ تصویب: ۹۴/۱۰/۲۰

چکیده

سیاست، تجارت و زیارت در حجاز، واژه‌هایی هستند که روابط بین آن‌ها
بروز پدیده‌هایی را موجب شد که تبیین این روابط موضوع اصلی مقاله
حاضر است. این پژوهش با تشریح وضعیت بازارهای عرب مقارن با ظهور
اسلام و اهداف و چگونگی تشکیل آن‌ها، کیفیت اثرگذاری مفاهیم

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان)؛

Tohidi@uk.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه اصفهان؛ m.pirmoradian@ltr.ui.ac.ir

۳. استاد دانشگاه اصفهان؛ Asghar.mahmoodabadi@ltr.ui.ac.ir

۴. استاد دانشگاه اصفهان؛ montazer@ltr.ui.ac.ir

سه‌گانهٔ موردنظر پژوهش را در تحولات قرن اول هجری در سرزمین حجاز بررسی می‌کند. مسئلهٔ اصلی پژوهش این است: آیا می‌توان بین سیاست، تجارت و زیارت در حجاز رابطه‌ای کشف کرد که تأثیر قابل توجهی در حوادث قرن اول هجری داشته است؟ در صورت اثبات این رابطه، آیا علل اصلی و چگونگی آن قابل تبیین هستند؟ این پژوهش نشان داد که باوجود برخی مخالفت‌های اولیهٔ مسلمین با بهره‌برداری‌های خاص اقتصادی و سیاسی از پدیدهٔ حج و زیارت، سرانجام اسلام بر این کارکردها صحه گذاشت و عاقبت شکل دیگر زیارت اماکن مقدس، یعنی زیارت قبور اولیای الهی، بنابر دلایلی که ذکر شده است، خود به موضوع کشمکش تبدیل شد. علاوه بر آن، خلفا به‌ویژه در دورهٔ بنی‌امیه همچون عصر جاهلیت از حج و زیارت به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی خود سود بردند.

واژه‌های کلیدی: زیارت، سیاست، حجاز، خلفا، تجارت.

۱. مقدمه

تا پیش از ظهور دین اسلام موضوع زیارت اماکن مقدس حجاز به‌نحوی بارز با تجارت و رفتار سیاسی سران مشرک منطقه آمیخته بود؛ از این رو، با بعثت پیامبر اسلام (ص) نگرانی از تأثیرات آیین جدید بر عنصر زیارت منشأ بسیاری از واکنش‌های منفی و مخالفت‌های اشراف منطقه با اسلام بوده است؛ به‌نحوی که مصادیق این نگرانی کاملاً در برخی آیات قرآنی مشهود است (قریش: ۳ و ۴). در نخستین سال‌های ظهور اسلام، رفتار مسلمانان در زمینهٔ تجارت در حج که بیانگر حرمت و گناه دانستن آن بود، مخالفت‌های بیشتری را موجب شد (بخاری، بی تا: ۲/۲۲۲۳)؛ زیرا برای مثال بازارهای عربی، هم محلی برای عرض‌اندام سیاسی قریش و متحدان آن‌ها و هم محلی برای تجارت و بسیاری دیگر از جنبه‌های فردی و اجتماعی حیات قبایل ساکن در منطقه بوده است.

در آینده نیز شاهد بروز تغییراتی در رفتار هردو گروه، یعنی مسلمانان و مشرکان، هستیم که باعث ایجاد تحولاتی در فرایند سه گانه زیارت، سیاست و تجارت شده است. جزئیات این تحولات را می توان با استناد به آیات قرآنی و شأن نزول آنها و بررسی سیر حوادث و رخدادها تبیین کرد. نکته جالب توجه آن است که اهمیت منافع تجاری و سیاسی بسیاری از ساکنان مکه، تأثیراتی در حیات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایشان در دوران اسلامی، خصوصاً قرن اول هجری، ایجاد کرد که موضوع این نوشتار است. اما مسئله اساسی آن است که «رابطه عناصر تجارت، سیاست و زیارت چگونه بر تحولات قرن اول هجری و بروز و ظهور حوادث مهم و نحله های فکری و عقیدتی مؤثر بوده است و نیز آنکه مقاطع مهم در این ارتباط شامل کدام موارد می شوند؟» در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و برپایه منابع اصلی، اهداف تحقیق مورد بررسی قرار می گیرند.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهشگران و نویسندگان بسیاری در دهه های اخیر جنبه های گوناگونی از حیات اجتماعی - سیاسی در حجاز را مورد بررسی قرار داده اند که بخشی از این تحقیقات مواردی از موضوعات مورد بررسی مقاله حاضر را به شکلی پراکنده تبیین و تشریح کرده اند. از برجسته ترین این کتاب ها می توان از *اسواق العرب فی الجاهلیه و الاسلام* نوشته سعید افغانی^۱، تاریخ عرب قبل از اسلام نوشته عبدالعزیز سالم^۲، و نیز اثر مشهور جواد علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*^۳، نام برد. اما هیچ یک از آثار یاد شده به طور مشخص و مستقل موضوع پژوهش حاضر را مورد بررسی قرار نداده اند؛ هرچند با تکیه بر مسائل دیگر جنبه هایی از آن را بیان کرده اند.

۱. افغانی، سعید (۱۹۷۴). *اسواق العرب فی الجاهلیه و الاسلام*. بیروت: دارالفکر.

۲. سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۶). *تاریخ عرب قبل از اسلام*. ترجمه باقر صدری نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. علی، جواد (۱۹۶۹). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. بیروت: دارالعلم للملایین.

۳. نگاهی به سابقه زیارت در حجاز

منطقه حجاز که شامل حدفاصل نجد در شرق و کوه‌های «سراة» در غرب جزیره‌العرب است، دوازده منطقه را شامل می‌شد که از مهم‌ترین آن‌ها مکه، یثرب (مدینه)، طائف و جدّه قابل‌ذکرند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۱۸). در این سرزمین رسم برپایی بازارهای موسمی در ایام حج برقرار بوده است که جلوه مهمی از رابطه سیاست، زیارت و تجارت را بیان می‌کند. مهم‌ترین این بازارها «عکاظ» نام داشت. این بازار در «ائیدا»، میان مکه و طائف، از ماه شوال تا ذی‌القعدة برقرار بود (افغانی، ۱۹۷۴: ۲/۲۲۲). بنابر روایات تاریخی، اعلام قراردادهای صلح و جنگ (یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ۱/۳۱۵-۳۱۶)، آزادی اسیران جنگی با پرداخت فدیة و بدون آن (آلوسی، ۱۳۱۴ق: ۲۶۷)، تظلم و دادخواهی و قضاوت در اختلافات و حل‌وفصل آن‌ها در حضور کسانی چون افرع بن حابس، از شیوخ بنی‌تمیم که بیشترین داوران از این قبیله بودند (همان‌جا)، در بازار عکاظ انجام می‌شد.

بحث انتساب افراد جدید و پناهندگان به قبایل (ابونعیم، ۱۴۱۵ق: ۲۶/۵) و شناسایی و قصاص قاتلان از سوی خانواده مقتولان (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۲: ۲۳/۲۱)، و در ارتباطات سیاسی، روابط قبایل حجازی با کشورهای دیگر در قالب ارسال هدایای پادشاهان یمنی برای بزرگان عرب در بازار عکاظ مشاهده می‌شد (همان، ۲۱/۱۲). یکی از موارد جالب توجه، اخذ باج از قبایل اطراف توسط اشراف مکه بود (علی، ۱۹۶۹: ۲۱/۴) که این‌اثیر نیز به باج‌دهی هرساله هوازن به زهیرین جذیمه در عکاظ اشاراتی دارد (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸ق: ۱/۳۶۰). دو بازار مهم دیگر حجاز، مجنه که پس از پایان بازار عکاظ در بیستم ذی‌القعدة در کوهی پایین مکه تشکیل می‌شد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۴/۴۲۱)، و ذوالمجاز که از زمان مشاهده هلال ماه ذی‌الحجه منعقد می‌گردید و در نزدیکی عرفه قرار داشت (همان، ۴/۴۱۶) و تا روز ترویج ادامه می‌یافت، قابل‌ذکرند.

ایراد وعظ و خطابه (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۵/۲۳۶؛ قلقشندی، ۱۳۳۱: ۸/۸۳)، قرائت اشعار (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۲/۱۳ و ۱۳/۱۳، ۲۴۷/۱۳، یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۴/۱۴۲؛ ابن‌منظور، بی‌تا: ۷/۴۴۷-۴۴۸)، و مفاخره و مجادله (زمخشری، ۱۳۸۷ق: ۱/۳۴۱) از دیگر امور مطرح در این بازارها بوده است.

۴. ظهور اسلام و آغاز تحولات در امر زیارت

پیامبر اسلام (ص) در بازار عکاظ به دعوت دین اسلام می‌پرداخت (مقدسی، ۱۹۶۲: ۴/۱۶۴). از آنجاکه تجارت در عکاظ در موسم حج برگزار می‌شد، مسلمین آن را مکروه می‌دانستند (بکری، ۱۴۰۳ق: ۳/۹۶۰)؛ اما زمانی که آیه دوم سوره بقره^۱ نازل شد، امر تجارت در عکاظ مباح و روا اعلام شد. زمانی از عمرین خطاب پرسیدند: «آیا شما تجارت در حج را مکروه می‌دانید؟» جواب داد: «آیا زندگی و معیشت ما (از راهی) جز از تجارت در حج بوده است؟!» (زمخشری، ۱۳۸۹: ۱/۸۴).

آمیختگی زیارت و تجارت از عناصر اصلی توسعه اماکن زیارتی حجاز بوده است و بدون شک همین امر از علل اصلی نگرانی سران قریش از توسعه اسلام به‌شمار می‌آمد. تبلیغات محمد (ص) علیه بت‌پرستی برای منافع بازرگانی - سیاسی مکه خطرناک بود؛ زیرا دعوت وی ممکن بود به سقوط پرستش کعبه و بتان آن منجر شود و این خود مسلماً نه تنها هجوم زوآر را متوقف و درعین حال بازار مکه را کاسد و مناسبات بازرگانی آن شهر را با دیگر نقاط تضعیف می‌کرد، بلکه باعث سقوط نفوذ سیاسی مکه می‌شد (پطروشفسکی، ۱۳۶۲: ۳۶).

۵. زیارت در عصر خلفای راشدین

به روزگار خلفا، اهتمام پیامبر (ص) به بحث مزارات مؤمنین و آداب زیارت آن‌ها، باعث توجه خلیفگان نیز بود. گفته شده است عمرین خطاب زمانی که در حال طواف کعبه بود، حجرالاسود را بوسید و گفت: «می‌دانم تو سنگی باشی؛ نه سود داری، نه زیان. اگر این نبود که رسول خدا (ص) تو را می‌بوسید، هرگزت نمی‌بوسیدم» (ابوداود، ۱۴۱۰ق: ۲/۱۷۵).^۲ این نکته نشان می‌دهد تأسی به سنت رسول خدا (ص) سبب می‌شد که اشخاص حتی در صورت عدم اعتقاد قلبی، به این مهم اهتمام ورزند.

۱. لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ.

۲. و نیز ر.ک. بخاری، الصحيح، ج ۲، ص ۱۸۳؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ص ۲۱۴.

شاید از همین رو بود که عمر بن خطاب، خود، برای اولین بار بنای حرم و بارگاه نبی اکرم (ص) را برپا کرد (سهمودی، ۲۰۰۶: ۵۴۴/۲). همچنین، در سیره این خلیفه هرگز نشانه‌ای از بی‌حرمتی و یا تخریب قبور اولیا و مؤمنین و یا نهی از زیارت اماکن مقدس مشاهده نشد؛ از جمله در سفر وی به فلسطین که حتی ابن تیمیه (بی‌تا: ۳۳۲/۲) نیز آن را روایت کرده است.

گفته می‌شود سنت احترام به اصل زیارت در نزد دیگران نیز در سرزمین حجاز از اهمیت بسیاری برخوردار بود. در این زمینه اهتمام و توجه خاص عبدالله بن زبیر، فرزند صحابی مشهور، قابل توجه است. گویا او دومین کسی بود که به عمران و توسعه قبر حضرت رسول (ص) پرداخته است (سهمودی، ۲۰۰۶: ۵۴۴/۲). خلاصه آنکه اصل زیارت در این مقطع زمانی هیچ‌گاه در معرض تردید و یا انکار و بی‌توجهی قرار نگرفت.

نکته قابل توجه دیگر، توسعه اماکن زیارتی است. امام ابو محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق)، از دانشمندان شهیر مسلمان، در *احیاء علوم‌الدین* (۱۹۴۵: ۱۷۷/۳) از مستحب بودن زیارت قبر رسول گرامی (ص) و سپس زیارت قبور متبرکه پیشوایان دینی و صحابه مدفون در بقیع و مستحب بودن خواندن نماز در مسجد فاطمه (س) سخن می‌گوید. جالب آنکه ابن زباله (ف. ۱۹۹ق) و ابن شبه نمیری (ف. ۲۶۲ق) (۱۴۱۰ق: ۱/۱۲۳-۱۲۷)، هردو، از وجود مساجدی بر قبور حضرت زهرا (س) و عباس بن عبدالمطلب خبر داده‌اند.

احترام به اصل زیارت سبب شد حضرت زهرا (س) تا ۲۷ روز پس از رحلت حضرت ختمی مرتبت (ص) به صورت منظم، یعنی هر روز تا شامگاه، در بقیع حاضر شوند و به عزاداری پردازند. سیاسی بودن این اقدام قابل انکار نیست؛ تا جایی که امیرالمؤمنین (ع) در این جایگاه - که در جانب جنوب غربی قبر عباس بن عبدالمطلب واقع شده است - مکانی ساختند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳/۱۷۸-۱۷۹). جالب آنکه علمای اهل سنت در اهمیت و آداب زیارت مکان مذکور (بیت‌الاحزان) قلم‌فرسایی کرده‌اند (رفعت پاشا، ۱۳۷۷: ۴۲۶/۱).

۶. کشمکش عثمانیه و تشیع

از موارد اختلافی بین نویسندگان تاریخ فرق و مذاهب اسلامی، نخستین مذهب ایجادشده



بین مسلمانان است. اغلب نویسندگان اهل سنت، عثمانیه را لایق این عنوان دانسته‌اند؛ چنان که ابن حجر عسقلانی در توصیف آن‌ها گفته است: «عثمانیه افرادی بوده‌اند که در محبت عثمان ره به گزافه و افراط پیموده و برای علی (ع) قائل به نقص هستند» (بی تا ب: ۱۶/۷). اما این دیدگاه مورد پذیرش دیگران قرار نگرفته است. شیعیان براساس شواهدی می‌گویند اولین نامی که در حوزه اسلامی به عنوان گروهی مشخص مطرح شده، اصطلاح «شیعه» بوده است. چنان که گفته‌اند در زمان رسول اکرم (ص) این لقب به چهار نفر از صحابی شناخته شده و مشهور شامل ابوذر، سلمان، مقداد و عمار اطلاق می‌شد. از آن پس، بعد از جنگ صفین این اصطلاح عمومیت یافت و شامل حال همه پیروان و علاقه‌مندان علی (ع) گردید (ابطحی، ۱۴۱۶ق: ۲۴).^۱

لازم به ذکر است کتب اهل سنت پر از شواهدی است که تقدم تشیع را بر آنچه «عثمانیه» نامیده می‌شود، به عینه بیان می‌کنند. ابن خلدون که خود دانشمندی سنی است، می‌گوید: «کسانی چون زبیر، عمار یاسر، مقداد بن اسود و غیره، در هنگام شورا از عدم انتخاب علی (ع) به خلافت تأسف خورده و اُف گفتند. آن‌ها را «شیعه علی (ع)» می‌نامیدند» (۱۹۸۴: ۳/۲۱۵).

شاید بتوان گفت «ناصبی» اصطلاحی است که شیعیان در مورد عثمانیه که اصطلاح مورد علاقه اهل سنت است، به کار برده‌اند. چنان که محقق حلی گفته است: «ناصبی فردی است که علناً با امامان (ع) دشمنی می‌کند» (۱۴۱۳ق: ۲۷۸).

عثمانیه از نظر امامیه کسانی هستند که با خلافت امیرالمومنین (ع) مخالف بوده‌اند. آن‌ها با بهانه قرار دادن عثمان و قتل او، به کارشکنی در دولت علی (ع) پرداختند و موجبات وقوع جنگ‌های جمل و صفین را فراهم آوردند. البته، بعدها این مسئله به دوستی عثمان و برائت و سب امیرالمومنین علی (ع) منجر شد (همان، ۲۷۸). برخی دیگر از علمای حجاز، خصوصاً مدینه، رویه میانه‌ای داشته‌اند. به نظر سعید بن مسیب، عثمان مظلومانه کشته شده است و قاتلان اشخاصی ظالم هستند؛ ولی کسانی که او را در هنگام شورش منتقدان که

۱. این محقق ادعای خود را براساس نظریه ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان سجستانی، از علمای بزرگ اهل سنت بصره، مطرح کرده است.



منجر به قتل خلیفه سوم شد، تنها گذاشتند، از نظر فقهی معذور بوده‌اند (ابن حجر هیثمی، ۱۹۹۷: ۱/۳۴۱). این گرایش در بین علمای حجاز بیشتر رواج داشته است؛ اما در خارج از حجاز شاهدیم که کسی چون بربهاری (ف. ۳۲۹ق) (۱۴۰۸ق: ۱۰۶ و ۱۱۱) معتقد است از وفات پیامبر (ص) تا قتل عثمان دین عتیق بود و اولین اختلاف مسلمین قتل عثمان بوده است. از منظر او ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع) بر دیگر صحابه مقدم هستند. وی در جایی از تألیفش سه خلیفهٔ نخست را بر علی (ع) برتری داده و آنگاه علی (ع) را بر دیگر صحابه مقدم دانسته است (همان، ۷۵-۷۶). دربارهٔ مسئلهٔ زیارت نیز بربهاری از مخالفان این پدیده است و نظراتی چون خَلَف خود، ابن تیمیه، دارد؛ اما معتقد است شفاعت پیامبر (ص)، انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان در قیامت پذیرفته است (همان، ۹۳). با این اوصاف، این عالم قرن سوم را هم می‌توان از گروه عثمانیه محسوب کرد.

نکتهٔ جالب توجه در مورد این گروه آن بود که از همان ابتدا بر سر مسئلهٔ زیارت قبور و بحث تدفین مشاهیر خود با دیگران، خصوصاً شیعه، به مجادله برخاستند.

بنابر برخی گزارش‌ها، ابوسفیان بن حرب در خلافت عثمان قبر حمزه را لگد کوب کرد و گفت آنچه دیروز برای حفظ آن بر ما شمشیر کشیدی، امروز بازیچهٔ جوانان ماست (بلاذری، ۱۹۵۹: ۱/۹۸؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۱۶/۱۳۶). معاویه نیز تقریباً چهل سال بعد از جنگِ اُحد تصمیم گرفت آب چشمه‌ای را در اُحد جاری کند و البته گفته می‌شود غرض اصلی وی تخریب قبر حمزه بود؛ بنابراین، دستور داد قبور شهدای اُحد از جمله حمزه را نبش کنند و جنازهٔ آنان را به جایی دیگر انتقال دهند (واقدی، ۱۹۶۶: ۱/۲۶۷-۲۶۸؛ ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۳۳؛ ابن اعثم کوفی، ۱۹۶۸: ۲/۵۳۶). بنابراین، احتمال قوی وجود دارد که مزار برخی شهدا و احتمالاً حمزه تغییر کرده باشد.

رشک و حسد عثمانیه بر نسب نبوی رقبا، یعنی بنی‌هاشم و آل ابی‌طالب، موجب این دشمنی بود؛ چنان‌که نگذاشتند امام‌حسن (ع) کنار قبر پیامبر (ص) دفن شود. به گفتهٔ ابن ابی‌الحدید معتزلی، عثمانیه گفتند: «نه، نمی‌گذاریم اینجا کنار قبر پیامبر (ص) دفن شود. عثمان در حش کوب دفن شود و حسن در اینجا؟!» (۱۴۰۴ق: ۱۶/۱۳).

نگاه خاص عثمانیه که برخاسته از خاستگاه اموی آن‌ها بود، ناشی از دیدگاه سردمداران سیاسی ایشان است که گاه شخص رسول خدا (ص) را نیز دربر می‌گرفت. حاکم نیشابوری به نقل از داود بن ابی صالح می‌نویسد: روزی مروان مردی را دید که صورتش را بر قبر رسول الله (ص) گذاشته است. مروان گردن او را گرفت و گفت: «می‌دانی چه کار می‌کنی؟». در این هنگام ابویوب انصاری برای زیارت سرسید و به مروان گفت: «من به دیدار سنگ نیامده‌ام، بلکه به دیدار رسول خدا (ص) آمده‌ام». حاکم نیشابوری (۱۴۱۱ق: ۴ / ۵۶۰) و ذهبی (۱۹۹۳: ۴ / ۴۸۴) این روایت را صحیح دانسته‌اند (همچنین ر.ک. ابن حنبل، بی‌تا: ۵ / ۴۲۲).

لازم به ذکر است که آن‌ها به هر شکل ممکن سعی می‌کردند اصل کتمان فضایل و امتیازات علویان را که در واقع نقطه عطفی در حیات اهل بیت (ع) به‌شمار می‌آید، مدنظر قرار دهند. این دقت و وسواس تنها در حوزه قبور و زیارت مطرح نبود، بلکه همه جنبه‌های حیات فردی و اجتماعی را دربر می‌گرفت و نهایتاً پیروان آن‌ها از همین مسیر به کتمان فضایل علی (ع) و آل او پرداختند. هرچند عمر مذهب عثمانیه بیش از قرن چهارم هجری را دربر نمی‌گیرد، پیروان آن‌ها بنابه دلایل خاص خود (که شاید تعصب فرقه‌ای را که امری شناخته‌شده در بین همه اقوام و ملل است، بتوان از اهم آن‌ها دانست)، تا مدت‌ها همین روش را ادامه دادند؛ چنان‌که ابن تیمیه (ف. ۷۰۷ق) به‌صراحت و بدون ذکر دلیل خاصی معتقد شد: «پس شیعه عثمان و نواصب، افضل از شیعیان علی هستند» (۱۴۰۶ق: ۵ / ۴۶۶).

پیش از او، سردمدار اصلی حزب عثمانیه یا به قولی مذهب عثمانیه، معاویه بن ابوسفیان، حساسیت و اهمیت بحث قبور و زیارت آن‌ها را با اقداماتی به رخ کشیده بود. گویند نخستین مسلمانی که در بقیع به خاک سپرده شد، «عثمان بن مظعون» بود و رسول خدا (ص) شخصاً سنگی بر قبر او گذاشت؛ اما معاویه سنگ را از جا کند و بر قبر عثمان بن عفان که

۱. در قرن چهارم، بر بهاری بارها با شیعیان به دلیل زیارت قبر امام حسین (ع) درگیر شد و به آزار و اذیت آنان پرداخت. او علاوه بر زیارت، با هرگونه عزاداری برای سید شهیدان مخالف بود (زرکلی، ۱۹۸۶: ۲ / ۲۰۱).

۱۰۲ / تبیین تاریخی رابطه سیاست، تجارت و زیارت در حجاز (قرن اول هجری قمری)

اموی و از خویشانش بود، گذاشت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰ق: ۱/۱۰۲).^۱ این ماجرا ظاهراً پس از ناکامی سران این گروه در حذف نام و نشان خاندان رسول خدا (ص)، به نفی اصل زیارت که امری رایج در زمان پیامبر (ص) بود، انجامید.

نگاه سیاسی به گورستان‌ها تنها به مواردی که اشاره شد، مربوط نمی‌شود؛ چنان‌که ابوموسی اشعری پس از ناکامی در ماجرای حکمیت، مدتی در قبرستان حجون ساکن شد (ازرقی، ۱۴۱۵ق: ۴۸۱).

ابن جبیر (۱۹۸۴: ۷۸) هم نوشته است بقایای بنایی را در حجون دیده است که به یاد ابن‌زبیر ساخته بودند؛ اما مردم طائف این بنا را به دلیل اینکه همشهری‌شان، حجاج‌بن یوسف ثقفی، را در آن محل لعن و نفرین می‌کردند، ویران ساختند.

با همه این اوصاف، عثمانیه را نمی‌توان مکتبی فقهی با دانشمندانی که به‌طور مشخص همچون مذاهب دیگر، خود چنین نامی را برگزیده و یا دیگران آن‌ها را چنین مورد خطاب قرار داده‌اند، در نظر گرفت. بهتر است در واقع همان‌گونه که بودند، پیروان این تفکر را در بین علما، فقها، سیاسیون و دیگر اقشاری که نقطه اشتراک آن‌ها به‌رغم همه تفاوت‌ها، حب احساسی و شدید به عثمان و دشمنی با علی (ع) و آل اوست، جست‌وجو کرد.

۷. بنی‌امیه و پدیده حج و زیارت

۷-۱. معاویه

معاویه اولین خلیفه‌ای بود که به بهره‌برداری سیاسی از فریضة حج و زیارت پرداخت. نخستین اقدام او اعزام جاسوسانی به مراسم حج در خلافت علی (ع) بود تا به اختلاف افکنی و ایجاد هرج و مرج پردازند (نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق: نامه ۳۳). معاویه با تجمع مخالفان خود در حجاز مواجه بود که هر یک به دلیلی خلافت او را بر نمی‌تابیدند. سیاست تهدید و تطمیع و تفرقه‌افکنی از ابزارهایی بود که در این دوران مورد استفاده بنی‌امیه قرار گرفت.

۱. برای آگاهی بیشتر ر. ک. سمهودی، *وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی*، ج ۳، ص ۸۴؛ ابن‌نجار، *الدره الثمینی*، ص ۱۶۸.

معاویه ناگزیر بود مخالفان قدرتمند حجازی خود را براساس اختلافات درونی که باهم داشتند، از نیل به اتحاد بازدارد. برای نمونه می‌توان به تحریک تمایل قدرت طلبی بنی‌عباس از سوی این خلیفه اشاره کرد. فرزندان عباس اتصال به خاندان رسالت و خدمات خود در حج را به پایگاهی برای اقتدار خانوادگی تبدیل کرده بودند و رقیب اصلی و وابسته قبیله‌ای آن‌ها علویان بودند که درگیری‌های مداوم این گروه با بنی‌امیه و رویه سازش‌ناپذیر رؤسای ایشان که در وجود ائمه‌اطهار (ع) متبلور بود، آن‌ها را نسبت به بنی‌عباس به خطری بزرگ‌تر برای آل ابوسفیان تبدیل می‌کرد. شاید از این رو بود که زمانی معاویه زیرکانه خطاب به آن‌ها گفت: «چه چیزی عباس، عموی پیامبر (ص)، و وارث او و ساقی حاجیان و سرپرست یتیمان را از مطالبه آن [خلافت] بازداشت؟» (ابن‌قتیبه، ۱۳۷۳: ۱/ ۶۰۵).

در این جملات اشاره آشکاری به مبانی کسب مشروعیت بنی‌عباس که در سال‌های آینده بارها مورد استناد عباسیان قرار گرفت و همگی به‌نوعی با پدیده حج و زیارت مرتبط هستند، مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، درحالی که خطر را از جانب علویان بیشتر می‌دانند، غیرمستقیم مبانی مشروعیت علویان را با تکیه بر عنصر حج و زیارت در معرض تردید قرار می‌دهد. شاید به همین دلیل معاویه سعی می‌کرد برای پیشبرد اهداف سیاسی خود، نظیر موروثی کردن خلافت، از مسیر حجاز و عنصر زیارت اقدام کند.

معاویه نتوانسته بود منتقدان اصلی خود را از حجاز بیرون کند و به‌نحو آشکاری کفه ترازوی سیاست در منطقه به نفع رقبا سنگینی می‌کرد. مخالفانی چون حسین بن علی (ع)، عبدالله بن عمر، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، عبدالله بن زبیر و سعد بن ابی‌وقاص که حاضر به همکاری با معاویه نبودند (یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ۲/ ۲۰۰ و ۲۱۱)، زیاد بن سمیه در نامه‌اش به معاویه از او خواست یزید یکی دو سالی به اخلاق این صحابه مشهور به زهد و تقوی زندگی کند تا امر بر خلق مشتبه گردد (همان، ۲/ ۲۰۱).

ولیعهد معاویه در سال ۵۱ هجری قمری با سمت امیرالحاج که می‌توانست تاحدی توصیه «زیاد» را عملی کند، راهی حج شد (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸ق: ۳/ ۴۹۰)؛ هرچند در این سفر یزید در مدینه به بزم شراب نشست (ابن‌عساکر، ۱۹۴۸: ۴۰۶) و آنچه معاویه طالب آن بود، محقق نشد.

معاویه دو بار با مردم حج گزارد و زمانی قصد کرد منبر رسول خدا (ص) را حمل کند که نتوانست (یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ۲/۲۱۲). در این میان به بزرگداشت قبور امویان و وابستگان خویش اهتمام ورزید؛ چنان که سنگی را که رسول خدا (ص) شخصاً بر گور صحابی گرانقدر، عثمان بن مظعون، گذارده بود، جابه‌جا کرد و بر قبر عثمان بن عفان گذاشت (سهمودی، ۲۰۰۶: ۳/۸۴).

۲-۲. یزید

رویه یزید با پدرش متفاوت بود و اساساً نداشتن راهبرد مشخص ویژگی اصلی مشی دومین خلیفه اموی در مورد قاعده حج و زیارت است. نشانه‌هایی در دست است که وی زمانی خواستار سمت امارت حج از معاویه بوده است (ابن اثیر، ۱۳۹۸ق: ۴/۱۲۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۸/۲۲۸)؛ اما بی‌توجهی به رویه زهد و معنویت حاکم بر مدینه در جریان سفر خود به‌عنوان امیرالحاج به آنجا، و سپس اعمال کم‌نظیر سپاهیان در خلق حوادثی چون واقعه حرّه و بی‌حرمتی به صحابه رسول خدا (ص) در مدینه، نشان داد که برخلاف معاویه جنگ را بر حلم و صبر ترجیح می‌دهد (دینوری، ۱۳۶۶: ۳۱۰). در پایان خلافت یزید هیچ‌یک از معضلات امویان در حجاز پایان نیافته بود و این معضلات به‌عنوان میراثی به جانشینان او رسید.

۳-۲. مروانین

مروان، سرسلسله مروانین که به‌دنبال حوادث دوران یزید و تسلط عبدالله بن زبیر بر حجاز همچون دیگر امویان به‌ناچار با دیگر اعضای خانواده‌اش حجاز را ترک کرده بود (یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ۲/۲۳۲)، مجالی برای اتخاذ راهبردی مشخص در قبال حج و زیارت نیافت؛ اما دانشمندان شیعه او را مبدع منع توسل به قبور اولیای دین دانسته‌اند (امینی، ۱۳۶۶: ۵/۳۱۸). اما دوران عبدالملک بن مروان از بعد نگاه سیاسی به حج و زیارت، حاوی حوادث مهمی است که این مقطع زمانی را از جنبه‌هایی منحصر به فرد نشان می‌دهد. برای نخستین بار دستگاه خلافت سفر حج را ممنوع کرد و حتی جایگزینی برای آن در نظر گرفت؛ زیرا

بیم آن می‌رفت که حجاج بیت‌الله در معرض بیعت و تبلیغات عبدالله بن زبیر که بر حرمین مسلط بود، قرار گیرند. زمانی که مردم به ممنوعیت حج که فریضه‌ای دینی است، معترض شدند، مردم را به حدیثی که ابن شهاب زهری نقل می‌کرد ارجاع دادند: *أُتِشَدَّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِي هَذَا وَ مَسْجِدِ الْأَقْصَى* (بار سفر بسته نمی‌شود مگر به سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد من، و مسجد بیت المقدس). عبدالملک بر صخره‌ای که گفته می‌شود پیامبر (ص) هنگام معراج پای خویش را بر آن گذاشت، قبه‌ای نهاد و پرده‌های دیا بر آن آویخت و خادمانی را برای این مکان به کار گمارد و این بنا را معادل کعبه قرار داد و مردم را به طواف آن فراخواند (یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ۲/۲۳۵).

از حوادث مهم دوران عبدالملک بن مروان، اوضاع حج در سال ۶۸ هجری است. در این سال چهار پرچم برای حجاج برافراشته بود که اقتدار رقیبان بنی‌امیه را نشان می‌داد. پرچم عبدالملک بن مروان، پرچم محمد بن حنفیه، پرچم نجده بن عامر رهبر خوارج یمامه و پرچم عبدالله بن زبیر (ابن اثیر، ۱۳۹۸ق: ۴/۲۹۶).

عبدالملک برای احیای سلطه بنی‌امیه بر حجاز کوشید؛ اما مایل بود لطمه‌ای به وجهه خود و خاندانش در فریضه حج وارد نشود. بنابراین، به سردار حجازی، حجاج بن یوسف ثقفی، دستور داد در طائف اردو زند و از حمله به مکه و تعرض به آنجا خودداری کند (طبری، بی تا: ۶/۱۷۴-۱۷۵؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ۶/۴۷).

پس از دو سالی هم به تقاضای گروهی از زعمای قوم در حجاز، عبدالملک حجاج را از امارت آن سرزمین برکنار کرد تا مراعات افکار عمومی را کرده باشد (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵ق: ۱۹۶؛ ابن قتیبه، ۱۳۸۷: ۲/۲۵، طبری، بی تا: ۶/۲۰۲؛ مسعودی، بی تا: ۳/۳۱۸).

در مورد حجاج بن یوسف ثقفی هم روایت جالبی وجود دارد؛ چنان که روزی خطاب به زائران قبر رسول گرامی (ص) گفت: «ای زیانکاران، شما به دور سنگ‌ها و چوب‌های پوسیده می‌گردید؛ چرا قصر امیرالمومنین عبدالملک را طواف نمی‌کنید؟ آیا نمی‌دانید که خلیفه فردی بهتر از فرستاده اوست؟» (ابن اثیر، ۱۳۹۸ق: ۱/۱۸۵).^۱

۱. و نیز ر.ک. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۴۲؛ علوی، النصایح الکافیة، ص ۸۱.

عبدالملک بن مروان با تسلط زیریان بر اماکن زیارتی حجاز، سخت بر عواقب این امر نگران بود؛ زیرا برخی معتقد بودند خلافت کسی را درخور است که دو حرم (مکه و مدینه) در دست او باشد (یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ۲/۲۳۵). بدین منظور حجاج بن یوسف را برای حذف عبدالله بن زبیر گسیل داشت و هنگامی که امر با تخریب خانه خدا همراه گردید، این واقعه ناگوار را بدعتی نامید و به سرعت برای بازسازی خانه خدا اقدام کرد (همان، ۲/۲۴۳) و برای زیارت اماکن مقدس حجاز راهی آن سرزمین شد و بر در کعبه ایستاد و گفت: «به خدا سوگند دوست داشتم که در حرم مکه بدعتی انجام نمی‌دادم و ابن زبیر را با خلافتش وامی گذاشتم» (همان، ۲/۲۴۴).

جالب آنکه موضوع گور ابن زبیر، خود در آینده موجب رخدادهایی شده است. قبلاً هم ذکر شد که ابن جبیر (۱۹۸۴: ۷۸) نوشته است بقایای بنایی را در حجون دیده است که به یاد ابن زبیر ساخته بودند؛ اما مردم طائف این بنا را به دلیل اینکه همشهری‌شان، حجاج بن یوسف ثقفی، را در آن محل لعن و نفرین می‌کردند، ویران کردند.

۷-۴. مقوله حج و زیارت و دیگر خلفای اموی قرن اول هجری

بعد از حادثه کربلا مروان بن سعید کردند از درگیری بیشتر با آل ابی طالب پرهیز کنند. روایت شده است حتی در حادثه بزرگی چون کشتار حرّه، به بنی‌هاشم مگر سه تن آسیبی نرسید (ابن قتیبه، ۱۳۸۷: ۱/۶۹). از عبدالملک مروان منقول است که خطاب به حجاج فرمانروای وقت حجاز نوشت: «مرا از خون‌های خاندان فرزندان ابوطالب دور مدار؛ چه من دیدم که آل حرب چون بر آن‌ها تاختند، نصرت نیافتند» (یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ۲/۲۶۷).

جالب آنکه برخی از خلفای پرهیزگارتر اموی در زمینه توسعه حرم و قبور اولیای الهی ید طولایی داشتند که شاید بتوان «عمر بن عبدالعزیز» را در این میان صاحب جایگاهی ویژه دانست. کار مهم او در این مورد آراستن قبر پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) با سنگ مرمر است که در منابع متعددی به آن اشاره شده است (ر.ک. حنبلی، ۱۹۷۳: ۱/۳۰۵).^۱ چنان که

۱. و نیز ر.ک. خوارزمی، *اثارة الترغیب و التشویق الی المساجد الثلاثة و البیت العتیق*، ج ۲، ص ۳۷۸؛ ابن رسته، *الاعلاق النقیسه*، ص ۶۹.

می دانیم اقدامات عمر بن عبدالعزیز برای حفظ آثار اسلامی در زمینه‌های دیگر مشهور است؛ از جمله اینکه مردمان را از سبّ علی (ع) بازداشت و از این رو محبوب مؤمنین شد (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۱۷۴).

رونق امر زیارت و زنده نگه داشتن سنت‌های اصیل اسلامی و ساختن مساجد و مقابر مهم و متعدد، از یادگارهای ایام خلافت اوست. گویند در دیر سمعان به خاک سپرده شد و به قولی خاندانش از بیم آنکه خلافت از دستشان بیرون رود، او را مسموم کردند (یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ۲/۳۰۳).

۸. نتیجه

چنان که مشاهده شد، بسیاری از تحولات سیاسی و تجاری مرتبط با زیارت، از دوران پیش از اسلام آغاز شد که ادامه آن قرن اول هجری قمری را متأثر کرده است. در این زمینه بازارهای عرب دارای اهمیت و درخور بررسی بودند و مشاهده شد که جلوه‌های بارزی از عناصر سیاسی و مذهبی، علاوه بر بعد تجاری در شکل‌گیری آن‌ها دخیل بوده‌اند. عصر رسالت، دوران خلفای راشدین و حوادث مهم دوران اموی، مقطع موردبررسی در پژوهش حاضر را در زمینه «رابطه سیاست و زیارت» دارای اهمیت مضاعف نشان می‌دهد. اما مواردی که می‌توان به عنوان نتایج این تحقیق مطرح کرد و در واقع پاسخ سؤالات و اثبات فرضیات ما به‌شمار می‌آیند، به شکلی که بیان خواهد شد، قابل دسته‌بندی‌اند:

بخشی از اهمیت زیارتی منطقه در گذشته قبل از اسلام حجاز و روابط بین‌قبیله‌ای ریشه دارد. هرچند نوع این روابط به دلیل وجود نداشتن دولت مرکزی در آن دوران با موارد مشابه بعد از اسلام متفاوت است، بنابر سنتی کهن، خصوصاً بنی‌امیه از همان ابزار استفاده کرده‌اند.

تأکیدات و تأییدات قرآن و رسول خدا (ص) دربارهٔ اماکن زیارتی حجاز و استقرار صحابه برجسته در حرمین مکه و مدینه، از عوامل اثرگذاری اماکن زیارتی یادشده در جنبه‌های گوناگون حیات اجتماعی مسلمین در قرن اول هجری و خصوصاً ابعاد سیاسی به‌شمار می‌آیند. البته، این واقعیت در قرون بعدی نیز به تبع حوادث قرن اول ادامه داشته

است. از موارد جالب توجه در کشمکش های سیاسی با محوریت زیارت، درگیری مداوم عثمانیه و تشیع است.

نمی توان اهمیت پدیده زیارت را در ابعادی چون قبور مؤمنین و مسجدالنبی نادیده گرفت. بنابراین، اهمیت پدیده زیارت با توجه به سیره پیامبر (ص) و منش خلفا و صحابی ایشان، در دو بعد مناسک حج و زیارت دیگر اماکن مذهبی درخور توجه است.

با انتقال مرکز خلافت از حجاز به دیگر مناطق، با توجه به وجود دسته های سیاسی - مذهبی منتسب به ائمه (ع) و صحابه رسول خدا (ص) در حجاز، تسلط بر این مناطق به موضوع کشمکش های سیاسی مهم چون حوادث عصر زبیری تبدیل شد.

معاویه نخستین خلیفه ای است که در زمینه کسب مشروعیت سیاسی با محوریت حجاز، خصوصاً در حوادث مربوط به جانشینی یزید، تلاش گسترده ای انجام داد و از این موضوع برای ایجاد تفرقه در صفوف مخالفان خود سود جست و شاید بتوان او را مبدع این جریان که در قرون بعدی هم پیروانی در میان خلفای دیگر سلسله ها داشت، به شمار آورد.

اوج درگیری های قرون اول هجری و اهمیت حج و زیارت در منازعات سیاسی، مربوط به دوران آل مروان خصوصاً عصر مروان بن حکم و عبدالملک بن مروان است که به نوعی هریک با این پدیده روبه رو بوده اند. در این دوران هتک حرمت به حرمین به شکلی گسترده رخ داد. هرچند خلفا شخصاً با تبری جستن از حوادث ناگوار رخ داده و عزل و نصب های سیاسی و توسعه امور عمرانی برای اصلاح وجهه خود در بین مردم کوشیده اند که این خود نشان از اهمیت موضوع در افکار عمومی آن دوران دارد.

در مجموع، روابط حج و زیارت و سیاست و تجارت، به رغم همه حوادث و رخدادها، اهمیت خود را در منازعات سیاسی و وجهه منطقه، به عنوان ام القرای جهان اسلام، حفظ کرده و در اذهان مسلمانان به عنوان منطقه ای تأثیرگذار مطرح بوده است.

منابع

- آلوسی، محمود شکری (۱۳۱۴ق). *بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب*. تصحیح محمد بهجه الاثری. مصر: مؤسسه للطباعة الحدیثه.

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء / ۱۰۹

- ابطحي، السيد مرتضى (۱۴۱۶ق). **الشيعة في احاديث الفريقين**. قم: چاپخانه امير.
- ابن ابى الحديد (۱۴۰۴ق). **شرح نهج البلاغه**. ج ۱۵ و ۱۶. قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى.
- ابن اثير، على بن محمد (۱۳۹۸ق). **الكامل في التاريخ**. ج ۱، ۳ و ۴. بيروت: دارالفكر.
- ابن اعثم كوفى، محمد بن على (۱۹۶۸). **الفتوح**. ج ۲. حيدرآباد دكن.
- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم (۱۴۰۶ق). **منهاج السنه النبويه**. تحقيق محمد رشاد سالم. مصر: مؤسسه قرطيه.
- _____ [بى تا]. **اقتضاء الصراط المستقيم**. به كوشش محمد حامد الفقيه. بيروت: دارالكتب العلميه.
- ابن جبير، محمد بن احمد (۱۹۸۴). **رحله**. بيروت: داراحياء التراث العربى.
- ابن حجر عسقلانى، احمد بن على [بى تا الف]. **الاصابه في تمييز الصحابه**. بيروت: داراحياء التراث.
- _____ [بى تا ب]. **فتح البارى شرح صحيح البخارى**. تحقيق محب الدين الخطيب. ج ۷. بيروت: دارالمعرفه.
- ابن حجر هيثمى، احمد بن محمد (۱۹۹۷). **الصواعق المحرقة على اهل الرفض و الضلال و الزندقه**. تحقيق عبدالرحمن بن عبدالله التركى. كامل محمد الخراط. ج ۱. بيروت: مؤسسه الرساله.
- ابن حنبل، احمد بن محمد [بى تا]. **المسند**. ج ۵. مصر: مطبعه الميمنه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۸۴). **تاريخ ابن خلدون**. ج ۳. بيروت: دارالقلم.
- ابن رسته، احمد بن عمر [بى تا]. **الاعلاق النقيه**. بيروت: دارصادر.
- ابن شبة نميرى، عمر بن شبة (۱۴۱۰ق). **تاريخ المدينة المنوره**. تحقيق فهيم محمد شلتوت. ج ۱. قم: دارالفكر.

- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۶۷). **تاریخ فخری**. ترجمه محمود وحید گلپایگانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۹۴۸). **تاریخ مدینه دمشق**. بیروت: دمشق.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۷۳). **عیون الاخبار**. ج ۱. قم: منشورات الشریف الرضی.
- _____ (۱۳۸۷). **الاسامه و السیاسه**. ج ۱ و ۲. قاهره: چاپ طه محمدزینی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق). **البدایه و النهایه**. تحقیق احمد ابوملحم. ج ۸. بیروت.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۹۵۲-۱۹۵۳). **سنن ابن ماجه**. به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی. قاهره.
- ابن منظور، محمد بن مکرم [بی تا]. **لسان العرب**. ج ۷. بیروت: دار صادر.
- ابن نجار، محمد بن محمود [بی تا]. **الدره الثمینیه**. به کوشش حسین محمد علی شکری. بیروت: دار الارقم بن ابی الارقم.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۹۹۲). **الاعغانی**. ج ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۲۱. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوداود، سلمان بن اشعث (۱۴۱۰ق). **سنن ابی داود**. ج ۲. بیروت: دارالفکر.
- ابونعیم، احمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق). **حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء**. ج ۵. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ازرقی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق). **اخبار مکه**. به کوشش رشدی صالح. مکه: مکتبه الثقافه.
- افغانی، سعید (۱۹۷۴). **اسواق العرب فی الجاهلیه و الاسلام**. ج ۲. بیروت: دارالفکر.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶). **الغدیر**. ج ۵. تهران: دارالمکتب الاسلامیه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل [بی تا]. **الصحیح**. ج ۲. بیروت: دارالفکر.



فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء / ۱۱۱

- بر بهاری، محمد بن حسن (۱۴۰۸ق). **شرح السنه**. تحقیق محمد سعید سالم قحطانی. دار ابن القيم.
- بکری، عبدالله بن عبدالعزیز (۱۴۰۳ق). **معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع**. تحقیق مصطفی السقاء. ج ۳. بیروت: عالم الکتب.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۹). **انساب الاشراف**. به کوشش محمد حمیدالله. ج ۱ و ۶. قاهره.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (۱۳۶۲). **اسلام در ایران**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). **المستدرک علی الصحیحین**. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا (با تعلیقات ذهبی). ج ۴. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حنبلی، مجیرالدین عبدالرحمن بن محمد (۱۹۷۳). **الانس الجلیل بتاریخ القدس و الخلیل**. ج ۱. عمان: مکتبه المحتسب.
- خلیفه بن خیاط (۱۴۱۵ق). **تاریخ خلیفه بن خیاط**. بیروت: چاپ مصطفی نجیب فواز و حکمت کشلی فواز.
- خوارزمی، محمد بن اسحاق [بی تا]. **اثارة الترغیب و التشویق الی المساجد الثلاثه و البیت العتیق**. ج ۲. مکه مکرمه: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۶). **اخبار الطوال**. ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان (۱۹۹۳). **سیر اعلام النبلاء**. بیروت: مؤسسه الرساله.
- رفعت پاشا، ابراهیم (۱۳۷۷). **مرآة الحرمین**. ترجمه انصاری. ج ۱. تهران: مشعر.
- زر کلی، خیرالدین (۱۹۸۶). **الاعلام**. ج ۲. بیروت.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۷ق). **اساس البلاغه**. ج ۱. بیروت.
- _____ (۱۳۸۹). **تفسیر کشاف**. ترجمه مسعود انصاری. تهران: ققنوس.



- سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۶). **تاریخ عرب قبل از اسلام**. ترجمه باقر صدری‌نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سمهودی، علی‌بن عبدالله (۲۰۰۶). **وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی**. ج ۲ و ۳. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طبری، محمدبن جریر [بی تا]. **تاریخ الرسل و الملوک**. به کوشش محمد ابوالفضل. ج ۶. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- علوی، محمد (۱۴۱۲ق). **النصایح الکافیة**. قم: دارالثقافة للطباعة و النشر.
- علی، جواد (۱۹۶۹). **المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام**. ج ۴. بیروت: دارالعلم للملایین.
- **نهج البلاغه** (۱۴۰۴ق). بیروت: چاپ صبحی صالح.
- غزالی، محمدبن محمد (۱۹۴۵). **احیاء علوم‌الدین**. ج ۳. بیروت: دارالطباعه و النشر.
- قلقشندی، احمدبن علی (۱۳۳۱). **صبح الاعشی فی صناعه الانشاء**. ج ۸. قاهره.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**. ج ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۱۳ق). **الرسائل التسع**. تحقیق رضا استادی. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- مسعودی، علی بن حسین [بی تا]. **مروج الذهب و معادن الجواهر**. ج ۳. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مقدسی، محمدبن طاهر (۱۹۶۲). **البدء و التاریخ**. ج ۴. تهران: کتابفروشی اسدی.
- نسائی، احمدبن علی (۱۴۱۵ق). **سنن النسائی**. بیروت: دارالفکر.
- واقدی، محمدبن عمر (۱۹۶۶). **المغازی**. تحقیق مارسدن جونز. ج ۱. لندن.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). **معجم البلدان**. ج ۴. بیروت: دارصادر.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق (۱۴۱۵ق). **تاریخ یعقوبی**. ج ۱، ۲ و ۴. بیروت: دارصادر.